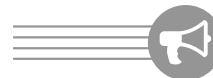


اخبار و یادداشت‌ها



فروزان خردپژوه (۱۳۳۱-۱۴۰۴)

محمد جلوداری ممقانی *

مجلس یادبود

خرد بهتر از هرچه ایزد بداد ستایش خرد را به از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای
از او شادمانی وزویت غمی است وزویت فزونی وزویت کمی است
(فردوسی)

آقای دکتر نصیری، رئیس شورای خانه‌های ریاضیات، دکتر
میرمحمدی میبدی، رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان، و دکتر طالبی،
رئیس اتحادیه انجمن‌های ریاضی نیز سخنانی در تمجید از اقدامات
مرحوم خردپژوه در دانشگاه، آموزش و پرورش و دیگر حوزه‌ها ایراد
کردند.

لحظاتی از مراسم در میانه‌ی برنامه، نوای نی با اجرای دو
نوازنده نابینا، فضایی معنوی ایجاد کرد. همچنین، کلیپ‌هایی شامل
گزارش‌هایی از فعالیت‌های آقای خردپژوه در دانشگاه و خانه ریاضیات
توسط دکتر احمد پارسیان، دکتر یحیی تابش، دکتر جمشیدیان، دکتر
جهان‌دیده، دکتر حقانی و دکتر منوچهر میثاقیان، همکاران ایشان در
دانشگاه صنعتی اصفهان، به نمایش درآمد. در ادامه مراسم، آهنگ
«یک شب مهتاب» سروده احمد شاملو با صدای فرهاد پخش شد و
سپس آقای حائری‌ها در وصف خرد، شعر زیبای زیر را از استاد شهریار
قرائت کرد:

قیمت هر کس به هنگام وداع دوستان
بر جبین‌ها نقش بینی در دهان‌ها داستان
امتحان خود چو دادی نمره رد و قبول
خود ندانی دفتر دل‌های مردم را بخوان
قدر خود در کفه چشم و دل مردم بسنج
بین که کاه هستی سبک یا آنکه کوه هستی گران
مرد چون غایب شود معلوم می‌گردد که او
سنگ بود و رایگان یا گنج بود و شایگان
جاودان از ما در این عالم نمی‌ماند کسی
پس چه بهتر نام نیک از ما بماند جاودان

آقای دکتر نظری نیز پیام وزیر را درباره درگذشت آقای خردپژوه
خواند و آقای ایاز بهرامی قطعه‌ای زیبا از سعدی را قرائت کرد:

عصر سه‌شنبه، دوازدهم فروردین ۱۴۰۴، از شیراز به اصفهان رسیدیم.
دل و جرئت نداشتیم که تماسی بگیریم و حالش را بپرسیم. کناره‌های
زاینده‌رود هم غلغله بود. کمی دورتر استراحتی کوتاه کردیم و سپس
راهی تهران شدیم. خستگی رانندگی طولانی باعث شد که روز
سیزدهم فروردین نتوانیم جایی برویم. اما در میانه روز، با نگاهی
به پیام‌های تلفن همراهم، آخرین سطر از پیامی بلند از سوی دکتر
علی رجالی، روح و روانمان را به اصفهان بازگرداند: «خردپژوه شامگاه
یازدهم فروردین به دیار باقی شتافته است.» پس از عرض تسلیت و
کسب اطلاعات بیشتر، مطلع شدیم که به‌همین مناسبت، روز هفدهم
فروردین از ساعت ۱۶ تا ۱۸:۳۰، مراسم یادبودی در سالن میرزاخان
خانه ریاضیات اصفهان برگزار خواهد شد. این همان سالنی بود که در
آبان ۱۴۰۳، از خدمات علمی و اداری زنده‌یاد خردپژوه در آن تقدیر
شده بود. در این مراسم که بیش از سه ساعت به‌طول انجامید،
دست‌کم بیست نفر از همکاران، دوستان و اعضای خانواده مرحوم
خردپژوه به بیان سخنانی در مورد سجایای اخلاقی، فعالیت‌های
دانشگاهی (شامل تدریس، تحقیق و دانشجویاری)، فعالیت‌های
اجتماعی (مانند آموزش ریاضیات به دانش‌آموزان و معلمان ریاضی،
همکاری با آموزش و پرورش برای ارتقای کیفیت آموزش ریاضیات در
مدارس) و ایده‌های خردپژوه در زمینه آموزش و تحقیق با تأکید بر کار
گروهی پرداختند. پیام وزیر آموزش و پرورش دو بار قرائت شد؛ یک
بار در ابتدای مراسم توسط مجری و بار دیگر تقریباً در پایان مراسم
توسط دکتر نظریان، مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان. در
ادامه، به برخی از این سخنان اشاره می‌کنیم:

سخنران مراسم نخست، آقای دکتر رامین جوادی، رئیس خانه
ریاضیات اصفهان، با استعانت از رودکی و فردوسی، توصیفی زیبا از
مرحوم خردپژوه ارائه داد:

از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش
(رودکی)

خرد مرد را خلعت ایزدی است

ز اندیشه دور است و دور از بدی است

آقای عبدی، مدیر خانه ریاضیات مشهد، برنده جایزه پروفیسور فاطمی در سال ۱۴۰۳ و عضو شورای خانه‌های ریاضی، به خدمات آقای خردپژوه به آموزش معلمان ریاضی آموزش و پرورش و دانش‌آموزان اشاره کرد و مجلس حاضر را به «روح و ریحان» تشبیه نمود. آقای دکتر سهیل مهاجر، همسر خانم سارا خردپژوه، دختر مرحوم خردپژوه، درباره سابقه آشنایی خود با آقای خردپژوه در بیست و پنج سال پیش در خانه ریاضیات اصفهان و خدمات ایشان به خانه ریاضیات و ریاضیات کشور سخن گفت. سرانجام، خانم دکتر سارا خردپژوه با اندوه فراوان از برگزارکنندگان مجلس و شرکت‌کنندگان تشکر کرد و نوع بیماری مرحوم خردپژوه، یعنی بیماری ALS (که با چالش سطل آب یخ در سال ۲۰۱۴ شناخته شد)، را اعلام کرد. جلسه در ساعت ۱۹ با دعوت حاضران برای کاشت یک نهال در محوطه‌ی خانه به یاد آقای خردپژوه به پایان رسید و من روزی آن نهال را در فضای سبز خانه خواهم یافت.

خردپژوه و من

در میان چهره‌هایی که در بدو ورود به دانشگاه شریف (آریامهر سابق) در سال ۱۳۵۲ با آن‌ها آشنا شدم، علاوه بر اساتید ریاضی و کامپیوتر، دانشجویانی نیز بودند که در برخی دروس هم‌کلاس شدیم؛ از جمله آقایان خردپژوه و علی نجفی در درس توپولوژی و سعید قهرمانی در درس آنالیز ۲. استاد درس توپولوژی دکتر کارپینتر بود و استاد درس آنالیز ۲ دکتر ضرغامی که مسئولیت (ریاست) دانشگاه را نیز بر عهده داشت. کلاس آنالیز در طبقه همکف دانشکده برق برگزار می‌شد و پس از اتمام کلاس، همراه با رئیس ضرغامی تا دفتر ریاست می‌رفتیم، اشکالاتمان را می‌پرسیدیم، جای می‌نوشتیم و سپس به دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر بازمی‌گشتیم. نحوه تدریس دکتر کارپینتر، ویژه بود؛ مفاهیم اصلی را به انگلیسی بیان می‌کرد و برای جلسه بعدی تکلیفی تعیین می‌کرد که یک دانشجو باید ارائه می‌داد. نمره پایان ترم را نیز بر اساس عملکرد هر کس، خود دانشجویان باید تعیین می‌کردند؛ تکلیفی دشوار! با گذشت زمان، دایره دوستان گسترش یافت و با کامران فیضی، احمد زندی و پیروز وکیلی نیز آشنا شدم. اواخر سال ۵۴، حین تحصیل به دانشگاه تازه‌تأسیس آزاد ایران (سابق) پیوستم و خردپژوه و کامران فیضی را نیز در آنجا دیدم. سال ۵۵ پیشنهاد شد که با دریافت بورسیه تحصیلی دوساله به دانشگاه ایلینوی برای تحصیل در رشته آموزش ریاضی (۹) برویم. خردپژوه پذیرفت

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران

کز سنگ گریه خیزد روز وداع یاران

هر کو شراب فرقت روزی چشیده باشد

داند که سخت باشد قطع امیدواران

با ساریان بگویند احوال آب چشمم

تا بر شتر نبندد محمل به روز باران

بگذاشتند ما را در دیده آب حسرت

گریان چو در قیامت چشم گناهکاران

ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد

از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران

چندین که بر شمردم از ماجرای عشقت

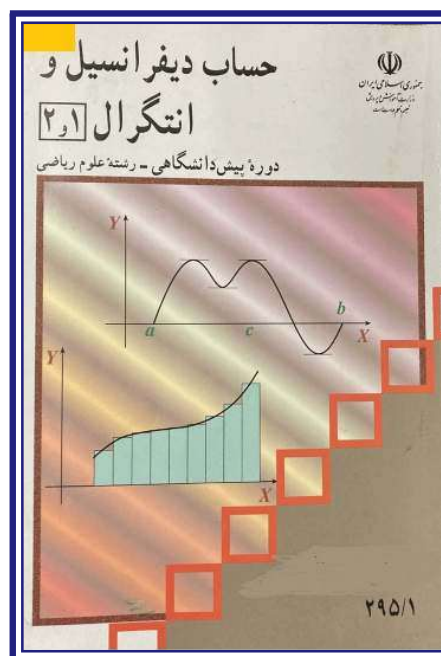
اندوه دل نگفتم الا یک از هزاران

سعدی به روزگاران مهری نشسته در دل

بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران

چندت کنم حکایت شرح این قدر کفایت

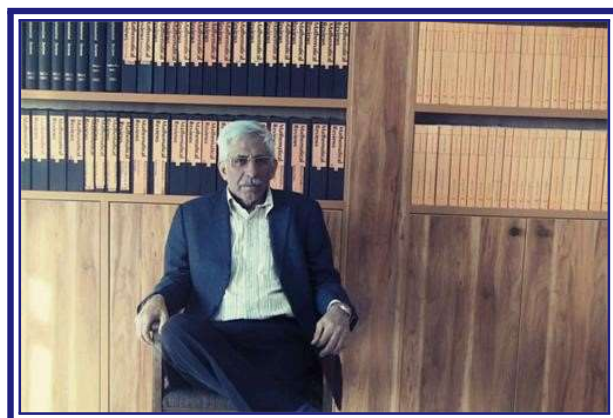
باقی نمی‌توان گفت الا به غمگساران



کتاب «حساب دیفرانسیل و انتگرال» (جلدهای ۱ و ۲)
تألیف: فروزان خردپژوه، محمود تلگینی، علی رجالی، احمد قیاسیان.

آقای نجفی، دبیر ریاضی دبیرستان‌های اصفهان نیز شعر زیبایی
زیر را از فردوسی خواند:

متن چاپی خودآموز همراه با کاست فیلم تهیه شده به مراکز دانشگاه در سراسر ایران ارسال می‌شد. گویی هدف این بود که آموزش علوم، بهداشت و ... را سوار بر تکنولوژی مدرن به اقصى نقاط کشور سرازیر و در ذهن دانشجویان تزریق کنند. تکنولوژی در خدمت گسترش علم و دانش. «آموزش از راه دور» اصطلاحی بود که به منصفه عمل نزدیک می‌شد. در دوران یورش کرونا، اندکی از روش‌های این نحوه آموزش عملی شد. هرچند عمر گروه ریاضی که در سال‌های ۵۳ و ۵۴ شکل گرفت و در سال ۵۹ خاتمه یافت چندان طولانی نبود، اما با توجه به حضور یا عدم حضور خردپژوه در آن به سه دوره تقسیم می‌شود: سال ۵۴ تا رفتن خردپژوه به دانشگاه ایلینوی، در غیاب خردپژوه، و حضور خردپژوه در سال ۵۷ تا انحلال. با توجه به قرائن، مثلاً نبود تاریخ انتشار که ناشی از بی‌تجربگی دست‌اندرکاران تولید و انتشار متون علمی است، متن مذکور (کاربردهای مشتق) متعلق به دوره اول حضور خردپژوه در گروه ریاضی است.



خردپژوه در مجله برهان (بهمن ۱۴۰۰)

گروه ریاضی با پیوستن آقایان دکتر ژان بت‌داوود، غلامحسین ماکارچی و خانم دکتر تانا گسترش یافت. گروه‌های تهیه درس برحسب علاقه‌های تخصصی افراد و نیازهای علمی دانشگاه به خودآموزهای چاپی و فیلم تشکیل شدند. گروه تهیه درس معنی واقعی پیدا کرد و بنابراین تعداد اعضای هر گروه تهیه درس به کمتر از انگشتان دست تقلیل یافت و برخی از کاستی‌های ناشی از کم‌تجربگی رفع شد. برای مثال، تاریخ چاپ هر بخش در صفحه حقوق آن ذکر شد. سال ۵۷ بود که خردپژوه مجدداً به گروه ریاضی و گروه‌های تهیه درس پیوست و کار تهیه خودآموزها جانی تازه گرفت. تولیدات این سال در سال ۵۸ به زیور چاپ آراسته شدند. سال ۵۸ سال خوبی بود.

و رفت، اما من با این استدلال که به‌زودی فارغ‌التحصیل می‌شوم، نپذیرفتم. اوایل سال ۵۶، خردپژوه با تجربه‌ای فراوان در زمینه تهیه متون درسی خودآموز به گروه ریاضی دانشگاه آزاد ایران (سابق) بازگشت. در آن دوران، تهیه متن‌های خودآموز درس‌های ریاضیات بنیادی شامل حسابان، جبر خطی، احتمال، مبانی ریاضی و ... و تولید فیلم‌های آموزشی با استفاده از این متن‌ها به‌عنوان سناریوی اولیه مورد نظر بود. برای این منظور، در هر مورد گروه تهیه درس تشکیل می‌شد. مثلاً گروه تهیه درس ریاضیات بنیادی سال اول - بخش ششم، با عنوان «کاربردهای مشتق»، از تمامی اعضای گروه ریاضی تشکیل شده بود که همگی مبتدی و آماتور بودند: محمود احسانی، کسری افسری‌نژاد، احمد جلالی (ویراستار ارشد)، محمد جلوداری ممقانی، فروزان خردپژوه، شیرین خسروی، زهرا خوانین شیرازی، حسین زند (سرپرست گروه)، محمدرضا سپهری (ویراستار)، لیدا فرخو، محمدتقی مجید (تهیه‌کننده تلویزیونی) و بهمن وحیدی. باین‌حال، هر بخش درسی نویسنده یا نویسندگان خاص خود را داشت؛ مثلاً نویسندگان بخش مذکور عبارت بودند از: احمد جلالی، فروزان خردپژوه، حسین زند و محمدرضا سپهری.



جلد کتاب کاربردهای مشتق

آجر فرش‌های پنروز و خیلی چیزهای دیگر آشنا شدم و بنابراین علاقه‌ام نسبت به عملیات کاشی‌کاری و به خانه ریاضیات اصفهان افزون‌تر شد. به این ترتیب و به یاری علی رجالی و محمد باقری، پای من به خانه ریاضیات اصفهان، جایی که خردپژوه رئیسش بود، باز شد و چندین سال متوالی همراه با آقای باقری در خانه ریاضیات اصفهان در کنار خردپژوه و دوستان دیگر در جلسات دو هفته‌ای به بحث و گفتگوهای علمی پرداختیم. شرکت‌کنندگان این جلسات از دانشگاه هنر اصفهان، دانشگاه شهید بهشتی، کرمان و دانشگاه‌های شهر اصفهان و خانه ریاضیات اصفهان بودند و موضوعات مورد بحث بیشتر وقت‌ها کاشی‌کاری، مقرنس و صنایع دستی وابسته به هنر معماری در اصفهان بود. با مدیریت خردپژوه و راهنمایی علی رجالی، در این جلسات با اساتید بزرگ هنرهای معماری و کاشی‌کاری آشنا شدم. مهندس اسلام‌پناه که از کرمان با اتوبوس می‌آمد و روی شباهت‌های کاشی‌کاری‌های اصفهان (درب امام) و کاشی‌کاری‌های پنروز کار می‌کرد، یکی از این استادها بود. آقای دکتر تهرانی که در ثبت جهانی بازار تبریز در یونسکو کمک کرده بود، یکی دیگر از این اساتید بود. چند تن از استادان دانشگاه اصفهان هم در این جلسات حضور می‌یافتند؛ علی دانایی یکی از آنها بود. گرد هم آوردن این متخصصین از اکناف ایران برای بحث در موضوعات آموزشی، هنری و ریاضیاتی، از هنرهای مدیریتی خردپژوه و علی رجالی بود. سال ۱۳۸۷، در مراسم دهمین سالگرد تأسیس خانه ریاضیات اصفهان به نمایندگی از انجمن ریاضی ایران شرکت کردم. به‌نظرم محل برگزاری این همایش سالن شهرداری اصفهان بود. جمعیت زیادی از اصفهان و تهران آمده بودند و سخنران علمی دکتر مهرداد شهشهانی بود. در این جلسه خردپژوه گزارشی از عملکرد خانه ریاضیات اصفهان ارائه داد. نخستین بار بود که او را عصبانی می‌دیدم. بعدها علت را برایش شرح داد. در شش سال گذشته، همواره در جلسات شورای خانه‌های ریاضیات به مدیریت خردپژوه شرکت کرده‌ام و او را در این سمت فردی توانا، دانا و دوست‌داشتنی یافته‌ام. چندی پیش در یکی از این جلسات حضور نیافت. علت را جویا شدم. با او تلفنی صحبت کردم، به گمانم این آخرین تماس من با او بود.

* دانشگاه علامه طباطبائی تهران

فروزان (خردپژوه) با فیروزه، و من با حوری ازدواج کردیم. شهرام و شهبازی، فرخو و تیمسار مربی هم قبلاً ازدواج کرده بودند. از اعضای گروه تنها احسانی تنها ماند. دوره‌های خوبی داشتیم و شیطنت‌های بسیار. به‌نظرم سارا، دختر خردپژوه، در این سال یا اوایل ۵۹ به دنیا آمد. می‌گفت اگر فرزندم پسر باشد، اسمش را علیرضا خواهم گذاشت. هم‌اکنون علیرضا، فرزند دوم خردپژوه، جوانی ۲۵ سال به بالا و مهندس است. در این دوره‌های ما بود که خردپژوه خاطره‌ای ماندگار از دکتر مهری و همایون معین را به شیرینی تعریف و در ذهن ما جاودانه کرد. سال ۵۹ اخبار ناگواری پراکنده به گوش می‌رسید. می‌گفتند تصمیم بر انحلال دانشگاه است. آن موقع علی نجفی وزیر علوم بود. در جلسه گروه تصمیم بر این شد که خردپژوه به خاطر دوستی دیرینه با نجفی برای وساطت جهت عدم انحلال اقدام کند. خردپژوه رفت و دست‌خالی برگشت. اعلام کردند اعضای هیئت علمی باید دانشگاهی برای انتقال پیدا کرده و موافقت آن را جلب کنند. دربه‌دری آغاز شده بود. من به دانشگاه ارومیه رفتم و مصاحبه دادم، اما تلاشم به جایی نرسید و نپذیرفتند. شهرام سلیمی و اختر شهبازی به دانشگاه نیروی دریایی به‌شهر رفتند و پذیرفته شدند، البته آن‌ها سرانجام سر از دانشگاه کرمان درآوردند. خردپژوه به دانشگاه همدان رفت و پذیرفته شد و در سال ۱۳۶۳ به دانشگاه صنعتی اصفهان منتقل شد. در ماندگان، مانند فرخو، تاتا، بت‌داوود، احسانی و من، به‌صورت مأمور در دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) جایابی شدیم. در دانشگاه ملی به لطف حضور اساتیدی چون دکتر آذری، دکتر معماری، دکتر افقهی، دکتر ناصر، فخرالدین شیرازی و محمدمهدی شیرازی با گشاده‌روی پذیرفته شدیم. راستش دلشان برای ما سوخته بود. هرچند پراکنده شده بودیم، اما ارتباط‌های تلفنی برقرار بود. با گذشت زمان، از لحاظ مدارج، وظایف و مسئولیت‌ها، همگی تغییر کرده بودیم. من قدری هندسه هذلولوی و کاشی‌کاری‌های هندسی یاد گرفته بودم و دوست داشتم هم‌صحبتی در این خصوص داشته باشم. در سال ۱۳۸۵، در کنفرانسی با عنوان «الگوهای هندسی در هنر اسلامی» که به ابتکار دکتر محمد باقری و خانه ریاضیات اصفهان و یان هوخنداک در مرکز لورنتس دانشگاه لایدن برگزار شد، شرکت داشتم. در این کنفرانس، با استاد بزرگوار استاد محمود ماهرالنقش از نزدیک و با پازل‌های